



جہاد  
دانشگاهی  
سازمان فراہم  
دانشگاہیں کشور



# مَدِظَلَا

سطر سطر زندگی با آیہ ہا

مسابقہ شماره ۱۳ / یکشنبه ۵ فروردین ۱۴۰۳

سطر سیزدهم

## فلسفه نبوت

جزء ۱۳

الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ  
بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

ابراهیم، آیه ۱

● چشم بینا، عقل پا برجا و این همه علم بشری، چرا راه را  
از چاه تشخیص نمی دهی؟



وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ  
شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ﴿٣٦﴾

سُورَةُ اِبْرٰهِيْمَ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

الرَّكِيْبُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ  
بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿١﴾ اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا  
فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ  
شَدِيدٍ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ  
وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ  
بَعِيدٍ ﴿٣﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُلٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ  
لَهُمْ فَيُضِلَّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ ﴿٤﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ  
قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ  
اللَّهِ أَنْ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٥﴾



مفصلہ کتب



قرآنت تحقیق



﴿ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ ﴾ این قرآن، کتابی است که به تو نازل کردیم. ﴿ لِخُرُوجِ النَّاسِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ ﴾ تا تو بتوانی به اجازه و کمک پروردگار این مردم، آن‌ها را از تاریکی‌های جهل خارج کنی و به نور رهنمون سازی. [فایده نور، روشن کردن مسیر است و نتیجه تاریکی، این است که انسان نداند چه باید بکند و کجا برود! برای اینکه بدانیم به چه سمتی باید برویم، به وحی الهی نیاز داریم. قرآن، همان نور هدایت‌کننده از طرف خدای متعال است.] ﴿ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴾ این نور، مردم را به راه خداوندی هدایت می‌کند که همیشه شکست‌ناپذیر ستودنی است. [این مسیر هم بی‌نقص است و اگر همه جمع شوند، نمی‌توانند مانع رسیدن رونده این مسیر به مقصد شوند.]



ببینیم



بشنویم



بیاموزیم



دانه‌ها، بذرها، هسته‌ها زیر خاکند، آنجا تاریکی در تاریکی‌ست. آنچه باعث می‌شود این دانه‌ها زنده شوند و از دل آن‌همه تاریکی و تنگنا بیرون بزنند و به فضای نورانی و روشنایی برسند، همان قطره قطره‌های بارانی است که از آسمان فرو می‌بارد. یک کار باران همین است، می‌بارد تا دانه‌ها را حیات بخشد و از تاریکی‌ها به نور برساند؛ البته دانه‌هایی که باران را بپذیرند و در وجود خود جای داده و جاری کنند، وگرنه دانه‌هایی که به باران نرسند، یا باران به آن‌ها نرسد، یا برسد اما دریافت نکنند، در همان تاریکی‌ها می‌مانند و می‌پوسند.

حال قصه ما آدم‌ها حکایت همان دانه‌هاست که اسیر این دنیای خاکی و پرظلمتیم. و آیات قرآن نیز همان قطره‌قطره‌های باراند که از دریای دانش الهی برخاسته و بر قلب آسمانی پیامبر فرود آمده تا دانه‌های وجود آدمیان را حیات بخشد و از تاریکی‌های نادانی و کفر و ظلم و فساد و گناه و پراکندگی بیرون بکشد و به عالم نور یعنی نور دانش، نور ایمان، نور صلاح و نور وحدت و یکپارچگی برساند. بنابراین آدمی منهای پیامبر وصف و حکایت دانه بی‌باران را دارد.

روز باران است می‌رو تا به شب      نه از این باران، از آن باران رب





نبوت یکی از اصول همه ادیان است، اگر بشود به آن گفت اصلی از اصول دین، بلکه بالاتر باید گفت. اینکه عرض کردیم اگر بشود گفت اصلی از اصول دین، نه به این معناست که اصل بودنش را کسی انکار نکند، نه؛ بلکه بالاتر از اصل، اصلاً دین بدون اعتقاد به نبوت معنایی ندارد. دین یعنی آن برنامه‌ای، آن مسلکی، آن مکتبی، آیینی که به وسیله پیام‌آوری از طرف خدای متعال رسیده، پس پیام‌آور و ازسوی خدا آمدن، این جزء عناصر ذاتی دین است. اصلاً قوام دین به این است.<sup>۱</sup>

چرا باید پیامبری باشد؟ چرا باید کسی ازسوی پروردگار، کمر به هدایت انسان ببندد؟ مگر خود انسان نمی‌تواند؟ مگر دانش بشری و اندیشه انسانی کافی نیست؟ پیغمبر چرا؟ پیام‌آوری میان غیب و شهود چرا؟<sup>۲</sup>

درباره فلسفه نبوت، خیلی صحبت نمی‌کنیم. یک کلمه است و آن یک کلمه این است که حواس انسان، غرائز انسان و خرد انسان، برای راهبری و دستگیری انسان کم‌اند. یک سلسله موجودات با حواسشان ممکن است اداره بشوند. بعضی از حیوانات را شاید به این صورت سراغ داریم که این‌ها فقط از حواس خودشان مایه می‌گیرند؛ حواس ظاهری.<sup>۳</sup>

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه ۱۴، ص ۳۸۳.

۲. همان، جلسه ۱۴، ص ۳۸۶.

۳. همان، جلسه ۱۴، ص ۳۸۷.



[اما انسان به] یک نیرویی بالاتر، یک هدایتی قوی‌تر و عمیق‌تر از هدایت حس، از هدایت غریزه، از هدایت عقل لازم دارد. این هدایت می‌آید چه کار می‌کند؟ می‌آید با حس شما رقابت می‌کند؟ می‌آید با غریزه شما مخالفت می‌کند؟ می‌آید سر عقل را به سنگ می‌زند؟ ابداً. او می‌آید تا عقل را راهنمایی کند، تا عقل را پرورش بدهد، تا عقلِ دفن‌شده را از زیر خروارها خاک بیرون بیاورد.<sup>۱</sup> فرعون دوست نمی‌دارد که مردم دارای عقل باشند، دوست نمی‌دارد که انسان‌ها بفهمند؛ چون اگر بفهمند، او وجودش باطل و افسانه خواهد شد.<sup>۲</sup> پس دین می‌آید برای چه؟ برای هدایت عقل. برای دست‌گیری عقل، عقل هست، اما وقتی هوس در کنارش باشد، نمی‌تواند درست قضاوت کند. عقل هست، ولی وقتی طمع پهلو به پهلویش باشد، نمی‌تواند درست ببیند. وقتی غرض در کنارش است، نمی‌تواند درست بفهمد. دین می‌آید هوس‌ها را، هواها را، طمع‌ها را، ترس‌ها را، غرض‌ها را از عقل می‌گیرد. عقلی سالم کامل را تقویت می‌کند، تأیید می‌کند تا او خوب بفهمد.<sup>۳</sup>



۱. همان، جلسه ۱۴، ص ۳۹۱
۲. همان، جلسه ۱۴، ص ۳۹۲.
۳. همان، جلسه ۱۴، ص ۳۹۵.